

مشارکت شوراهای اسلامی روستایی در حفاظت از منابع طبیعی: مطالعه‌ای در مناطق جغرافیایی تحت حفاظت استان فارس

چکیده

حفاظت از منابع طبیعی نه تنها به فناوری، بلکه به نهادها و سازمان‌هایی وابسته است که در سطح محلی در مدیریت آن دخالت دارند. سازمان‌های محلی مانند شوراهای اسلامی، هم یک‌گزیدار در ایجاد یک چارچوب سازمانی پایدار و مناسب برای مدیریت منابع طبیعی محسوب می‌شوند و هم عاملی مؤثر در جلب همکاری و مشارکت آحاد جامعه هستند. به همین دلیل، بسیاری کشورها به دنبال تشویق و به‌کارگیری ظرفیت مشارکتی اجتماعات محلی در قالب ساماندهی به مشکل‌ها و شوراهای مختلف هستند. وجود شوراهای اسلامی روستایی در ایران، که هم‌گسترش وسیعی دارند و هم از پشتوانه قانونی و حقوقی برخوردارند، باعث شده است که ظرفیت قابل توجهی برای حفاظت مشارکت محور از منابع طبیعی فراهم باشد. مقاله حاضر با درک اهمیت این موضوع به تشریح قابلیت‌های مشارکتی شوراهای اسلامی روستایی در ایجاد یک نهاد یا سازمان اجتماعی پایدار به منظور حفاظت از محیط زیست طبیعی می‌پردازد و در آن به نتایج یک تحقیق پیمایشی اشاره شده است که با هدف بررسی ایستار و ساختار مشارکتی شوراهای اسلامی روستایی به منظور حفاظت از منابع طبیعی انجام گرفته است. نتایج این پژوهش که درباره شوراهای اسلامی ۵۲ روستای واقع در مناطق جغرافیایی تحت حفاظت محیط زیست فارس انجام شد، نشان می‌دهد که بعد مشارکتی ساختار سازمانی شوراهای اسلامی نسبتاً مناسب است و از این نظر، شوراهای اسلامی آمادگی ایفای نقش نهاد حفاظتی در زمینه محیط زیست را دارند. این در حالی است که ایستار اعضای شوراهای اسلامی مورد مطالعه هم نسبت به مشارکت عمومی و هم نسبت به حفاظت از منابع طبیعی در حد مطلوب است و آنان خواستار همکاری در حفاظت از منابع طبیعی در سطوح بالای مشارکت هستند؛ به طوری که مشارکت آنان در سطح مشارکت تابعی قابل ارزیابی است. این در حالی است که بیشتر اعضای شوراهای اسلامی معتقد به فعالیت این شوراها در نظارت بر حفاظت از منابع طبیعی هستند و زمینه‌های تصمیم‌گیری و اجرا، به ترتیب در مراتب بعدی قرار دارند. تفویض اختیار مناسب به منظور افزایش قدرت تصمیم‌گیری شوراهای اسلامی، مشارکت تعاملی ادارات و سازمان‌ها با شوراهای اسلامی در حفاظت محلی از منابع طبیعی و توجه به ارتقای نگرش اعضای شوراهای اسلامی نسبت به مشارکت عمومی از پیشنهادهاى تحقیق حاضر هستند.

واژه‌های کلیدی: منابع طبیعی، سازمان‌های محلی، مشارکت، شوراهای روستایی

مقدمه

با درک اهمیت تهدیدهایی که محیط زیست طبیعی با آن روبه روست، تلاش‌های زیادی از سوی سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی برای حفاظت از محیط زیست در حال انجام است. امروزه و از زمان برگزاری اولین همایش بین‌المللی درباره محیط زیست انسان در سال ۱۹۷۲ در استکهلم، جهان برای توجه جدی به موضوع محیط زیست در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی گام‌های بزرگی برداشته است. در این راستا، می‌توان به شعار «جهانی اندیشیدن و محلی عمل کردن» اشاره کرد که از طرف سازمان ملل برای هدایت سیاست‌ها و قانونگذاری در زمینه حفاظت از محیط زیست ارائه شده است تا کشورها ضمن حفظ محیط زیست محلی به تأثیرات بین‌المللی تخریب آن بیندیشند؛ برای مثال، می‌توان به گرم شدن آب و هوای زمین و تغییرات آب و هوای اشاره کرد که عامل اصلی آن کشورهای عمدتاً غربی هستند؛ زیرا طی قرن اخیر مقادیر درخور توجهی گازهای گلخانه‌ای را وارد جو زمین کرده‌اند. نمونه دیگر، پدیده گرد و غبار در استان‌های غرب و جنوب کشور است که بخش عمده آن ناشی از خشکاندن تالاب‌ها و بیابانی شدن عرصه‌های منابع طبیعی در کشورهای همسایه مانند عراق و سوریه است (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹). بنابراین، انسان‌ها باید متقاعد شوند که نه تنها در قبال محیط زیست پیرامون، بلکه نسبت به محیط زیست جهانی نیز مسئول هستند. با وجود این، مفهوم پایداری محیط زیست برای بیشتر جمعیت جهان در حد نظری باقی مانده است و میزان آگاهی و همچنین عملکرد ما تناسبی با شرایط بحرانی و رو به وخامت محیط زیست جهانی ندارد (برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، ۱۳۸۳).

حفاظت پایدار از محیط زیست طبیعی مستلزم مشارکت مؤثر مردم است؛ به طوری که آحاد جامعه دغدغه حفظ محیط و جلوگیری از تخریب آن را داشته باشند. در سال‌های اخیر نیز موضوع مشارکت اجتماعی به عنوان یک نیروی تعیین‌کننده در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری‌ها مطرح است و جستجوی مبنای جدید و قابل اطمینان برای تحقق همکاری و انسجام اجتماعی به دغدغه مهمی برای تصمیم‌گیران تبدیل شده است. در این میان، مشارکت محلی به مبحث روز پژوهش‌های علمی تبدیل شده و تعامل‌کنندگان اجتماع و تصمیم‌سازان موجب شده است که مشارکت محلی به عنوان دغدغه‌ای اساسی برای جغرافیدانان مطرح گردد (گودوین، ۱۹۹۸، ۴۸۲). در این ارتباط باید بین دو دیدگاه تعادل برقرار شود: اول، دیدگاهی که بر حفاظت از منابع طبیعی بدون در نظر گرفتن رفاه اجتماعی تأکید دارد و دوم، دیدگاهی که صرفاً قدرت‌بخشی به مردم محلی در کنترل بر منابع طبیعی را دنبال می‌کند (رومرو و آندراد، ۲۰۰۴، ۵۷۸) (۱). همچنین، مشارکت در حفاظت از محیط زیست می‌تواند مشارکت در تصمیم‌گیری و تعیین نیازها، مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در اجرای فعالیت‌ها، مشارکت در بهره‌مندی از منافع و همچنین، مشارکت در ارزشیابی را شامل شود. با وجود این، چگونه می‌توان امیدوار بود که چنین مشارکتی روی دهد؟ تحقق مشارکت مردمی نیازمند برخی پیش‌زمینه‌هاست. به بیان دیگر، رهیافت مشارکتی دارای مؤلفه‌هایی است که رعایت آنها شرط تحقق مشارکت مردمی به شمار می‌رود (عابدی‌سروستانی، ۱۳۹۱، ۱۶۴). اگر چنین نباشد و یا اراده استفاده از مشارکت مردمی وجود نداشته باشد، شاهد آن چیزی خواهیم بود که از آن به پرداختن انحصاری دولت به مدیریت و حفاظت از محیط زیست طبیعی یاد می‌شود که معمولاً با دلایلی مانند اهمیت راهبردی محیط زیست طبیعی، ملی بودن آن، قوانین و مقررات مصوب و یا احتمال سودجویی مردم در بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی توجیه می‌شود (لوند، ۲۰۰۲).

نظریه پردازان مشارکت معتقدند که وجود ترتیبات سازمانی یا نهادی مناسب، پیش شرطی ضروری برای تحقق مشارکت مردمی است. مشارکت مردمی در خلأ به وجود نمی آید و نیازمند یک سازمان و تشکل مناسب برای آن است. به بیان دیگر، چنانچه اراده استفاده از مشارکت مردم برای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست وجود داشته باشد، مشارکت باید به صورت سازمان یافته باشد و در قالب تشکل های مشخص مانند شورای روستا، انجمن ده، تعاونی های روستایی و یا شرکت های سهامی سامان یابد. اهمیت این موضوع تا حدی است که در غیاب سازماندهی گروه های اولیه، مشارکت قابل تصور نیست و به همین دلیل، رهیافت های مشارکتی از سازماندهی گروه ها در محل و همچنین، از رهبران محلی به منظور پیشبرد کارها استفاده می کنند (گای، ۱۳۷۱). حال ممکن است این گروه ها از قبل وجود داشته باشند و یا نیاز باشد آنها را به وجود آورد. البته، اولویت با گروه های موجود محلی است (دپارتمان ترویج کشاورزی، ۱۹۹۹).

بهترین سازمان و نهاد برای رهیافت های مشارکتی، خود اجتماع محلی است (موریس، ۱۹۸۱)؛ به طوری که استفاده از ظرفیت های اجتماع محلی از ابعاد مشارکت اجتماعی محسوب می شود (احمد، ۱۹۸۲). مشارکت اجتماع محلی نه تنها از این رو مهم است که آنان بخشی از منابع مورد نیاز را فراهم می آورند، بلکه مردم محلی باید به طریقی به این نتیجه برسند که از حفاظت از منابع طبیعی منتفع خواهند شد؛ زیرا در غیر این صورت، به احتمال زیاد رفتاری خواهند داشت که به ضرر پایداری منابع طبیعی خواهد بود. بنابراین، مشارکت اجتماعات محلی در حفاظت از منابع طبیعی به آنان اطمینان می دهد که حق آنان در این رابطه به رسمیت شناخته می شود (کبیری، ۲۰۰۷، ۲). برخی معتقدند یکی از دلایل نیاز به مشارکت روستاها و اجتماعات محلی در مناطق تحت حفاظت این است که روستاهای واقع در حاشیه (یا درون) این مناطق، به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر هزینه ها یا منافع حاصل از آن قرار می گیرند؛ برای مثال، می توان به از دست دادن زمین ها، کاهش دسترسی به منابع، تهدید حق مالکیت و یا رفاه را برشمرد. این در حالی است که سیاست های جدید بر این تأکید دارند که مناطق حفاظت شده بیش از این که به آسیب پذیری مردم از فقر بینجامند، باید به ابقا یا بهبود رفاه انسان ها کمک کنند (هیل، ۲۰۰۲).

از دلایل دیگر نیاز به رهیافت های مشارکتی، دستیابی به دانش نهفته در محل یا دانش بومی است. در واقع، چالش مربوط به بین رشته ای بودن حفاظت از منابع طبیعی، استفاده توأم از دانش نوین و بومی را لازم کرده است. این در حالی است که در هر اجتماع، ترکیبی پویا از نمادها، باورها، زبان و فعالیت های مختلف وجود دارند که برای مردم محل یک چارچوب برای تفکر و عمل^۳ را فراهم می آورند. این چارچوب ها، هم منبعی برای هویت و درک فرهنگی اجتماع از منابع طبیعی محسوب می شوند و هم منبعی برای اعمال کنترل، تضاد و رقابت پیرامون بهره برداری از منابع طبیعی هستند (گودوین، ۱۹۹۸، ۴۸۲). بنابراین، کار با سازمان های محلی مانند شوراهای محلی نه تنها به مدیریت مشارکتی منابع طبیعی کمک می کند، بلکه می تواند به دستیابی به دانشی بیانجامد که برای پاسخگویی به مسایل پایداری منابع طبیعی لازم هستند (باوا، ۲۰۰۶، ۶۹۷). از این رو، سیاست های حفاظتی به سمتی سوق یافته اند که مردم و اجتماعات محلی را در کنار خود داشته باشند و از حمایت و همکاری آنان استفاده کنند. معمولاً از این سیاست ها در مفهوم کلی حفاظت اجتماع

1- Community

2 - Symbols

3- Frames of Mind and Action

نهاد^۴ یاد می‌شود که هدف اساسی آن، برانگیختن نقش فعال مردم محلی به عنوان بخش اصلی فعالیت‌های حفاظتی به نحوی است که هم به نیازهای حفاظتی و هم به نیازهای توسعه اقتصادی محل به اندازه کافی پاسخ داده شود (هیل، ۲۰۰۲).

با توجه به موارد یاد شده، اغلب متخصصان حفاظت از منابع طبیعی بر سیاست‌هایی تأکید دارند که بتوان مدیریت منابع طبیعی را به صورت محلی انجام داد (میلر و همکاران، ۲۰۰۸). آنان معتقدند بهترین راه مدیریت و حفاظت پایدار منابع طبیعی، رجوع دوباره به سازمان‌های محلی است. بر این اساس، فعالیت‌های بین‌المللی حفاظت از منابع طبیعی بر حق اجتماعات محلی تأکید دارند و این اجتماعات را به عنوان شریکی مهم در مدیریت منابع طبیعی مدنظر قرار می‌دهند (لین و همکاران، ۲۰۰۸). با تأکید بر اجتماعات محلی می‌توان امید داشت که نگرش دوقطبی که در آن، دولت و جامعه روبه‌روی هم قرار دارند، کنار گذاشته شود و دولت به صورتی متحوّل و پویا شود که مردم را به حرکت و جنبش درآورد (ریبوت، ۲۰۰۱). اگرچه برخی ممکن است نقطه ضعف این دیدگاه را در نبود فرهنگ کار گروهی بدانند، اما تجارب کار با مردم در حفاظت از منابع طبیعی نشان داده است که سازمان‌های محلی، حداقل می‌توانند به اندازه سایر سازمان‌ها در این مسیر تلاش کنند (راسموسن و مینزن‌دیک، ۱۹۹۵).

با درک چالش‌هایی که حفاظت از منابع طبیعی با آن روبه‌روست؛ یعنی پایداری اقتصادی، توسعه نهادی^۵، بین‌رشته‌ای بودن حفاظت^۶، ظرفیت‌سازی^۷ و اقدام در سطح وسیع^۸ (باوا، ۲۰۰۶، ۶۹۶)، بهتر می‌توان به نقش بالقوه شوراهای محلی در حلّ آنها پی برد؛ برای مثال، وابستگی بسیاری از مردم برای گذران زندگی و تأمین معاش به منابع طبیعی یک چالش مهم پایداری اقتصادی محسوب می‌شود (همان). برای مواجهه با این چالش، بسیاری از فعالان محلی، ملی و بین‌المللی بر اطمینان به بازگشت منافع برنامه‌های حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست به مردم تأکید دارند (کبیری، ۲۰۰۷). در واقع، موفق بودن مردم در حفاظت از منابع طبیعی به دسترسی آنها به درآمدی مطمئن برای معاش وابسته است و یکی از راه‌ها، اتخاذ تریباتی برای واگذاری مدیریت منابع طبیعی به مردم محلی به نحوی است که بتوانند به کسب درآمد پایدار از آن بپردازند (یو.اس.اید، ۲۰۰۶). به این ترتیب، شوراهای اسلامی را می‌توان یک گزیدار سازمانی در اجرای چنین تمهیداتی دانست؛ زیرا بسیاری از پیامدهای مثبت مشارکت مردمی، مانند افزایش درآمد و برابری، بر این فرض استوارند که مسؤولیت و قدرت تصمیم‌گیری به برخی از گروه‌ها یا سازمان‌های محلی، مانند شوراهای یا انجمن‌های روستایی واگذار شود.

در توسعه نهادی، چالش این است که سازوکار ارتباط بین سیاست و تصمیم‌سازان و مردم محلی به نحوی باشد که بتوان به دانش مورد نیاز برای حل مسایل موجود در تعامل اجتماع و منابع طبیعی دست یافت. توصیه بر این است که چنانچه نهادهای مورد نیاز برای این کار وجود ندارند، آنگاه افراد یا نهادهایی مانند رهبران محلی و شوراهای روستایی، باید نقش یک واسطه را بر عهده گیرند. در این صورت می‌توان امید داشت که نخبگان قنّی و سیاسی و مردم محلی به

-
- 4- Community-Based Conservation
 - 5- Institutional Development
 - 6- Interdisciplinary
 - 7- Capacity Building
 - 8- Large-Scale Action

درک واحدی از مشارکت و حفاظت از منابع طبیعی دست یابند. البته، سازمان‌های حفاظتی باید حساسیت بیشتری درباره افرادی داشته باشند که در برنامه‌های مشارکتی حضور خواهند داشت. این حساسیت درباره گروه‌هایی باید بیشتر باشد که در حاشیه قرار گرفته و یا در جامعه از قدرت کمتری برخوردارند (گودوین، ۱۹۹۸، ۴۹۶). شوراهای اسلامی روستایی قادرند در حل چالش‌های نهادی نقش داشته باشند؛ زیرا به عنوان یکی از نهادهای موجود در سطح اجتماع محلی، از این ظرفیت برخوردارند که آگاهی‌های عمومی را تبدیل به عمل کنند، تضادها را کاهش دهند و به ایجاد برابری کمک نمایند (باوا، ۲۰۰۶، ۶۹۷). این در حالی است که سازمان‌های محلی برای ایفای چنین نقشی باید نماینده طیف وسیعی از اهالی محل باشند و شوراهای اسلامی از چنین ویژگی نیز برخوردارند؛ زیرا اعضای آنها به عنوان مقامات محلی، اهل همان محل هستند و انتخابات اعضای شورا نیز توسط مردم محل انجام می‌گیرد (شیخ، ۱۳۸۱). از چالش‌های دیگر نهادی، نیاز به حمایت و حضور مستمر و طولانی در مناطق حفاظتی است و شوراهای اسلامی می‌توانند به حل این چالش نیز کمک کنند؛ زیرا به طور دائم در محل حضور دارند و اعضای آن ساکن محل هستند. در مجموع، چنانچه به دلایل موفقیت طرح‌های حفاظت از منابع طبیعی که به دنبال استفاده از مدیریت محلی هستند توجه شود، می‌توان دریافت که موفقیت آنها را باید در عواملی، مانند: مبنای قوی علمی و دانشی، سازمان‌های بوم-منطقه‌ای^۹، فناوری‌های مناسب در عرصه، کارگزاری‌های قوی و پاسخگو، چارچوب قانونی مورد احترام، انسجام اجتماعی، سازوکارهای مؤثر برای مشارکت مردم، آموزش حین کار، انسجام بین فعالیت‌های توسعه اقتصادی و حفاظت از منابع طبیعی، وجود سازمان‌های وابسته به ادارات محلی و اعتبار مالی کافی و انعطاف‌پذیر جستجو کرد (جاننیز، ۲۰۰۰).

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اگرچه مشارکت مردمی می‌تواند به شکل‌های گوناگون در حفاظت از جنگل‌ها مطرح باشد؛ اما آنها را می‌توان زیر عنوان مدیریت مشارکتی جنگل^{۱۰} بررسی کرد که در آن، توافق‌های مدیریتی بین ادارات دولتی و سازمان‌های محلی مانند شوراهای روستایی، به عنوان حرکت‌های اولیه محسوب می‌شوند (ویلی، ۲۰۰۲). یک تجربه موفق در استفاده از شوراهای محلی، مربوط به هندوستان است که قانون شورای جنگل را در سال ۱۹۳۱ به تصویب رساند و به روستاییان اجازه داد تا شوراهای جنگل محلی را تشکیل دهند و جنگل‌های نزدیک به روستا را تحت مدیریت خود در آورند. بررسی‌ها نشان داده است که این قانون با تمرکززدایی و انتقال قدرت کنترل بر جنگل‌ها به مردم محلی، به نیاز و تقاضای روستاییان به خوبی جواب داده است؛ به طوری که از سال ۱۹۳۱، نزدیک به سه هزار شورای جنگل توسط روستاییان تشکیل شده است و این شوراهای کنترل مدیریت حدود یک چهارم از جنگل‌ها را در منطقه کومائون به طور رسمی در اختیار دارند (آگراوال و ریپوت، ۱۹۹۹). نمونه دیگر، تصویب قانون جنگل‌ها در سال ۲۰۰۷ میلادی در کنیاست که نقش اجتماعات محلی در مدیریت منابع طبیعی را به رسمیت می‌شناسد و مشوق مشارکت آنان در حفاظت از منابع طبیعی است. در این قانون پیش‌بینی شده است که اجتماعات محلی بتوانند به عنوان مدیر مشترک^{۱۱} و یا مدیران قراردادی^{۱۲} در مدیریت منابع طبیعی مشارکت داشته باشند. بر طبق یکی از بندهای این قانون، اجتماعات محلی و بهره‌برداران از منابع طبیعی، فقط با تشکیل انجمن‌های محلی می‌توانند در این کار شرکت کنند. این

انجمن‌ها، به عنوان سازمان‌های اجتماع نهاد^{۱۳} سطح دوم محسوب می‌شوند که از آنها انتظار می‌رود با تجمیع خود، سازمان‌های سطح سوم یا سازمان‌های ملی^{۱۴} را راه‌اندازی کنند که قابلیت تبدیل شدن به سازمان‌های غیر دولتی را دارا هستند^{۱۵}. همچنین، از این سازمان‌ها انتظار می‌رود بتوانند منابع مالی را به صورت محلی و یا از خارج، فراهم کنند. یک نمونه از این تشکل‌ها، مجمع ملی انجمن‌های جنگل اجتماع^{۱۶} در کشور کنیاست (اونگوگو، ۲۰۰۷).

به نظر می‌رسد در کشور ما نیز شوراهای روستایی بتوانند به عنوان یک ساختار و چارچوب نهادی بالقوه برای تشویق مشارکت مردمی در حفاظت از منابع طبیعی مد نظر قرار گیرند. از جمله مهمترین دلایل می‌توان به سابقه زیاد، پوشش گسترده در کشور، شیوه تشکیل دموکراتیک، انتخاب اعضا از بین اهالی محل، برخورداری از پشتوانه قانونی و حقوقی، قدرت اظهار نظر درباره مسایل مربوط به روستا، قدرت ارائه و پیشنهاد برنامه‌ها و همچنین وظایف پیش‌بینی شده برای شوراهای اشاره کرد. برای مثال، نظارت بر حسن اجرای مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری از منابع طبیعی و عمران جنگل‌ها، مراتع و محدوده‌های محیط زیستی، از جمله وظایف و اختیاراتی است که در قانون شوراهای پیش‌بینی شده است (شورای عالی استان‌ها، ۱۳۸۷). به این ترتیب، شوراهای اسلامی روستا یکی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره کشور محسوب می‌شوند که در صورت فراهم شدن شرایط و پیش‌شرط‌های لازم، قادرند نقش خود در حفاظت از منابع طبیعی کشور را به انجام رسانند. پژوهش حاضر با توجه به این ملاحظات انجام شده است و هدف آن، بررسی ایستار اعضای شوراهای اسلامی روستایی نسبت به حفاظت از منابع طبیعی و مشارکت عمومی، تحلیل بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی و تبیین سطوح مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش تحقیق پیمایشی^{۱۷} انجام شده است. جمعیت مورد مطالعه شامل شوراهای اسلامی روستایی واقع در مناطق نه‌گانه تحت حفاظت محیط زیست فارس بودند. این مناطق عبارتند از: پارک ملی و حیات وحش بختگان، پارک ملی بمو، مناطق حفاظت شده ارژن و پریشان، بهرام‌گور، ماله‌گاله، میان‌جنگل، هُرمده، تنگ‌بُستانک، و مارگون. از آنجا که آمار دقیقی از روستاهای تحت پوشش هر منطقه حفاظت شده موجود نبود، تعداد و اسامی روستاهای واقع شده در هر منطقه حفاظت شده با استفاده از اطلاعات موجود در اداره کل محیط زیست فارس، پرسش از مسؤولان و کارشناسان ادارات شهرستانی و تأیید کارشناس مسؤول هر منطقه حفاظت شده، مشخص گردید. سپس از هر منطقه تحت حفاظت و به نسبت تعداد روستاهای واقع شده در هر منطقه، تعدادی از شوراهای اسلامی روستا به طور تصادفی و به صورتی انتخاب گردیدند که تعداد نسبتاً همگنی از شوراهای اسلامی در هر منطقه حفاظت شده بررسی شدند. به این ترتیب و برای مثال، ۱۰ درصد از ۷۳ روستای واقع شده در منطقه حفاظت شده پارک ملی و حیات وحش بختگان و ۵۰ درصد از ۱۲ روستای واقع در منطقه حفاظت شده میان‌جنگل، به طور تصادفی انتخاب شدند. همچنین، در

13- Community-Based Organizations

14 -National Organizations

15- NGOs

16 -National Assembly of Community Forest Associations

17- Survey Research

مناطق که تعداد روستاها محدود بودند، مانند مناطق حفاظت شده هُرمند و مارگون، تمام روستاهای واقع در آن مناطق مطالعه شدند. سپس از هر شورای اسلامی روستا، دو نفر از اعضا به طور تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند که ۱۰۴ عضو شورای اسلامی از ۵۲ روستا را شامل گردید. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از یک پرسشنامه جمع آوری گردید که با توجه به اهداف و سؤال‌های پژوهش، طراحی شده بود. روایی ابزار سنجش با استفاده از روایی صوری و همچنین، انجام یک مطالعه راهنما بررسی شد. میزان پایایی سازه‌های اصلی تحقیق با محاسبه ضریب کرانباخ آلفا مشخص گردید. این ضریب برای شاخص ایستار نسبت به حفاظت از منابع طبیعی برابر ۰/۷۶، شاخص ایستار نسبت به مشارکت عمومی برابر ۰/۸۵ و شاخص بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی برابر ۰/۶۲ به دست آمد. پرسشنامه‌ها در سال ۱۳۸۷ و با مراجعه حضوری به نمونه‌ها تکمیل و اطلاعات به دست آمده با نرم‌افزار SPSS تجزیه شد.

یافته‌های پژوهش

همگی اعضای شوراهای اسلامی مورد مطالعه، مرد هستند و میانگین سنی آنان برابر ۴۰/۷ سال است. همچنین، فقط ۱/۹ درصد از پاسخگویان بیسواد هستند و نزدیک به یک سوم آنان (۲۸/۸ درصد) در حدّ دوره دبیرستان به تحصیلات خود ادامه داده‌اند. این در حالی است که ۱۶/۴ درصد آنان دارای تحصیلات دانشگاهی (کاردانی و کارشناسی) هستند و هیچ‌کدام نیز از تحصیلات تکمیلی برخوردار نیستند.

ایستار نسبت به حفاظت از منابع طبیعی

یکی از موارد تأثیرگذار بر مشارکت اعضای شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی، ایستار آنان نسبت به حفاظت از منابع طبیعی است. این انتظار وجود دارد افرادی که ایستار مساعدتری نسبت به حفاظت از منابع طبیعی دارند، آمادگی بیشتری برای مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی داشته باشند. برای سنجش این متغیر از ۱۱ گویه استفاده شد. نظر پاسخگویان نسبت به هر یک از گویه‌ها در جدول ۱ نشان داده شده است. برای بررسی بیشتر، امتیاز این شاخص محاسبه گردید. برای این منظور، جمع عددی هر ۱۱ گویه (با توجه به جهت هر گویه)، محاسبه و به صورت یک متغیر تحلیل شد. به این ترتیب، امتیاز این شاخص می‌تواند بین صفر تا ۴۴ متغیر باشد. میانگین به دست آمده برای این شاخص (۳۵/۸) نشان می‌دهد که ایستار پاسخگویان در این رابطه بیشتر از حدّ متوسط است. امتیاز این شاخص برای کمی بیش از نیمی از اعضای شوراهای اسلامی مورد مطالعه (۵۳/۸ درصد) بین ۱۴ تا ۳۷ است و امتیاز نیم دیگر بین ۳۸ تا ۴۳ است. همچنین، بیشترین فراوانی مربوط به امتیاز ۳۸ و متعلق به ۱۳/۵ درصد از اعضای شوراهای اسلامی است. این یافته‌ها نشان می‌دهد ایستار اعضای شوراهای اسلامی نسبت به حفاظت از منابع طبیعی در حدّ قوی نیست و فقط می‌توان در حدّ متوسط از آنان انتظار گرایش مساعدی نسبت به حفاظت از منابع طبیعی و آمادگی اقدام به عمل در این راستا داشت. جدول (۲)، خلاصه‌ای از امتیاز این شاخص را بر حسب طبقات خیلی ضعیف تا خیلی خوب نشان می‌دهد.

جدول ۱) توزیع نظر پاسخگویان* نسبت به گویه‌های شاخص ایستار نسبت به حفاظت از منابع طبیعی

گویه‌ها [†]	کاملاً موافقم	موافقم	بی نظرم	مخالقم	کاملاً مخالفم
از بین رفتن مراتع و جنگل‌ها باعث ایجاد سیل می‌شود	۷۸/۸*	۱۴/۴	۱/۹	۱/۹	۲/۹
ما ناچاریم برای ایجاد اشتغال، مراتع را به زمین کشاورزی تبدیل کنیم	۷/۷	۱۶/۳	۱۲/۵	۳۵/۶	۲۷/۹
آوردن دام اضافی در مراتع زیاد مهم نیست	۳/۸	۲/۹	۴/۸	۴۲/۳	۴۶/۲
دیدن مراتع یا جنگل‌های تخریب شده باعث ناراحتی و افسوس است	۷۶	۱۵/۴	۲/۹	۰	۵/۸
با از بین رفتن منابع طبیعی، زندگی مردم به خطر می‌افتد	۶۸/۳	۲۴	۲/۹	۱	۳/۸
متجاوزان به منابع طبیعی را نباید دوست داشت	۸۱/۷	۸/۷	۳/۸	۱/۹	۳/۸
نباید از بوته‌های مرتعی یا چوب درختان برای سوخت استفاده کرد	۵۶/۷	۳۱/۷	۶/۷	۱	۳/۸
اگر منابع طبیعی خراب شود، آب‌های زیر زمینی کم می‌شوند	۶۳/۵	۲۱/۲	۸/۷	۳/۸	۲/۹
حفاظت از منابع طبیعی بیشتر بر عهده اداره منابع طبیعی است تا مردم روستا	۲۶/۹	۲۲/۱	۱۱/۵	۳۲/۷	۶/۷
اگر در مراتع یا جنگل‌ها آتش سوزی شود، باید دست از کار روزمره کشید و برای کمک رفت	۷۵	۲۱/۲	۱/۹	۰	۱/۹
پذیرفتن قربانی از منابع طبیعی افتخار بزرگی است	۵۵/۸	۳۷/۵	۵/۸	۰	۱

* $n = 104$

† Cronbach alpha = 0.76

* درصد پاسخگویان

جدول ۲) فراوانی طبقات امتیاز ایستار اعضای شوراهای اسلامی نسبت به حفاظت از منابع طبیعی

طبقات	فراوانی		درصد تجمعی
	تعداد	درصد	
خیلی ضعیف (۱۴-۲۰)	۴	۳/۸	۳/۸
ضعیف (۲۱-۳۰)	۸	۷/۷	۱۱/۵
متوسط (۳۱-۳۵)	۲۵	۲۴	۳۵/۶
خوب (۳۶-۴۰)	۴۷	۴۵/۲	۸۰/۸
خیلی خوب (۴۱-۴۳)	۲۰	۱۹/۲	۱۰۰
جمع	۱۰۴	۱۰۰	-
میانگین = ۳۵/۸؛ انحراف معیار = ۵/۸			

ایستار نسبت به مشارکت عمومی

یکی از مواردی که می‌تواند بر مشارکت اعضای شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی تأثیر گذار باشد، ایستار آنان نسبت به مشارکت عمومی است و انتظار این است افرادی که دارای ایستار مساعدتری نسبت به مشارکت عمومی هستند، آمادگی بیشتری برای مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی داشته باشند. برای سنجش ایستار اعضای شوراهای اسلامی نسبت به مشارکت عمومی از ۱۶ گویه استفاده شد. نظر پاسخگویان نسبت به هر یک از این گویه‌ها در جدول (۳) نشان داده شده است. برای بررسی بیشتر، امتیاز شاخص ایستار اعضای شوراهای اسلامی نسبت به مشارکت عمومی محاسبه گردید. برای این منظور، جمع عددی هر ۱۶ گویه مرتبط با این شاخص (با توجه به جهت هر گویه)، به صورت یک متغیر تحلیل شد. به این ترتیب، امتیاز این شاخص می‌تواند بین صفر تا ۶۴ متغیر باشد. میانگین به دست آمده برای این شاخص (۵۵/۹) نشان می‌دهد که ایستار پاسخگویان در این رابطه بسیار بیشتر از حد متوسط است. امتیاز این شاخص برای نزدیک به نیمی از اعضای شوراهای اسلامی مورد مطالعه (۴۹ درصد) بین ۳۴ تا ۵۶ است و امتیاز نیم دیگر، بین ۵۷ تا ۶۴ است. همچنین، بیشترین فراوانی، مربوط به امتیاز ۶۴ و متعلق به ۱۲/۵ درصد از اعضای شوراهای اسلامی مورد مطالعه است. جدول (۴)، خلاصه‌ای از امتیاز این شاخص را بر حسب طبقات متوسط تا عالی نشان می‌دهد.

بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی

یکی از موارد مرتبط با گروه‌ها، به بُعد مشارکتی ساختار آنها مربوط می‌شود. شوراهای اسلامی به عنوان یک گروه از این قاعده مستثنا نیستند و وضعیت بُعد مشارکتی شوراها می‌تواند در همکاری و مشارکت آنان در حفاظت از منابع طبیعی مؤثر باشد؛ به طوری که می‌توان این فرض را داشت که شوراهای اسلامی که از ساختار مشارکتی قوی‌تری برخوردارند، در مشارکت برای حفاظت از منابع طبیعی نیز بهتر عمل خواهند کرد. این شاخص با استفاده از ۱۰ سؤال پنج گزینه‌ای شاخص همفیل^{۱۸} مورد سنجش قرار گرفت که هر سؤال، شامل گزینه‌های کاملاً صحیح، صحیح، بی‌نظر، نادرست و کاملاً نادرست است (جدول ۵). سپس، امتیاز شاخص بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی محاسبه شد. برای این منظور، جمع عددی هر ۱۰ گویه مرتبط با این شاخص (با توجه به جهت هر گویه)، محاسبه و به صورت یک متغیر تحلیل شد. به این ترتیب، امتیاز این شاخص می‌تواند بین صفر تا ۴۰ متغیر باشد. امتیاز این شاخص برای حدود نیمی از اعضای شوراهای اسلامی مورد مطالعه، (۴۹ درصد) بین ۱۱ تا ۲۸ است و امتیاز نیم دیگر، بین ۲۹ تا ۳۶ است. همچنین، بیشترین فراوانی امتیاز، مربوط به امتیاز ۲۹ و متعلق به ۱۵/۴ درصد از اعضای شوراهای اسلامی است. جدول ۶، خلاصه‌ای از امتیاز این شاخص را بر حسب طبقات ضعیف تا خیلی خوب نشان می‌دهد.

جدول ۳) توزیع نظر پاسخگویان* نسبت به گویه‌های شاخص ایستار نسبت به مشارکت عمومی

گویه‌ها†	کاملاً موافقم	موافقم	بی نظرم	مخالقم	کاملاً مخالفم
بهرتر است همه روستاییان در امور روستا مشارکت کنند.	۷۲/۱*	۲۴	۱/۹	۱/۹	۰
کارهای روستا، بدون همکاری همه به درستی انجام نمی‌شود.	۶۷/۳	۲۸/۸	۱	۲/۹	۰
هر وقت در انجام کارها به دیگران کمک نکنم، احساس بدی دارم.	۶۹/۲	۲۸/۸	۱	۰	۱
کسانی که در کارهای روستا شرکت می‌کنند، وقت خود را هدر می‌دهند.	۲/۹	۶/۷	۴/۸	۳۵/۶	۵۰
همواره علاقه دارم من هم سهمی در انجام امور مربوط به روستای خویش داشته باشم.	۷۰/۲	۲۸/۸	۱	۰	۰
در نظر دیگران من فردی هستم که در بیشتر کارها حضور دارم	۴۶/۲	۲۲/۱	۳۰/۸	۱	۰
همواره علاقه دارم عضو شرکت تعاونی و یا انجمن‌های مختلف باشم.	۴۱/۳	۴۳/۳	۱۳/۵	۰	۱/۹
در صورت امکان حاضرم به کارهای مربوط به روستا کمک مالی کنم.	۳۷/۵	۵۴/۸	۶/۷	۱	۰
اگر دیگران از من مشورت بخواهند، حاضرم به آنها کمک مشورتی بدهم.	۶۲/۵	۳۲/۷	۴/۸	۰	۰
منفعت روستا بر منفعت شخصی ترجیح دارد.	۵۴/۸	۳۹/۴	۵/۸	۰	۰
در کارهای خودم با دیگران مشورت می‌کنم.	۶۳/۵	۳۱/۷	۴/۸	۰	۰
خودم را در سود و زیان روستا شریک می‌دانم.	۶۰/۶	۳۵/۶	۳/۸	۰	۰
همواره دوست دارم در کارهای مربوط به روستا از من هم نظر بخواهند.	۵۱	۴۰/۴	۷/۷	۱	۰
همواره علاقه دارم تصمیم‌ها به صورت گروهی گرفته شود.	۷۰/۲	۲۶/۹	۱/۹	۱	۰
حاضرم از کار خودم بزنم و به دیگران کمک کنم.	۵۶/۷	۳۶/۵	۵/۸	۱	۰
آرزو دارم مثل کسانی باشم که به انجام امور روستا کمک می‌کنند.	۶۳/۵	۳۴/۶	۱/۹	۰	۰

* n = ۱۰۴ =

† Cronbach alpha = ۰/۸۵ =

* درصد پاسخگویان

جدول ۴) فراوانی طبقات امتیاز ایستار اعضای شوراهای اسلامی نسبت به مشارکت عمومی

درصد تجمعی	فراوانی		طبقات
	درصد	تعداد	
۱۶/۳	۱۶/۳	۱۷	متوسط (۳۴-۵۰)
۴۹	۳۲/۷	۳۴	خوب (۵۱-۵۶)
۷۶/۹	۲۷/۹	۲۹	خیلی خوب (۵۷-۶۰)
۱۰۰	۲۳/۱	۲۴	عالی (۶۱-۶۴)
-	۱۰۰	۱۰۴	جمع
			میانگین = ۵۵/۹، انحراف معیار = ۵/۹

جدول ۵) توزیع نظر پاسخگویان* نسبت به گویه‌های شاخص بعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی

کاملاً نادرست	نادرست	بی نظر	صحیح	کاملاً صحیح	گویه‌ها†
۱	۳/۸	۶/۷	۳۷/۵	۵۱*	در بین اعضای شورای اسلامی ما مشارکت خوبی وجود دارد.
۳۰/۸	۴۴/۲	۷/۷	۱۱/۵	۵/۸	با وجود علاقه‌مندی، هیچ کدام از اعضای شورا نمی‌خواهند کار کنند.
۱۱/۵	۲۰/۲	۱۹/۲	۳۰/۸	۱۸/۳	اگر یکی از افراد شورای ما کم کاری کند، بقیه علاقه‌ای به ماندن او در شورا ندارند.
۴/۸	۵/۸	۶/۷	۴۰/۴	۴۲/۳	کار شورای ما بر عهده افرادی است که برای آن کار مناسب‌تر هستند.
۳۰/۸	۵۲/۹	۶/۷	۸/۷	۱	اکنون مدت زمان طولانی است که شورای ما کاری انجام نداده است.
۳۰/۸	۵۱	۹/۶	۵/۸	۲/۹	اعتبار شورای ما به دلیل اینکه تا کنون کار زیادی انجام نداده، در خطر است.
۲/۹	۷/۷	۵/۸	۵۱	۳۲/۷	هر کدام از اعضای شورای ما پیگیر یک یا چند کار شورا هستند.
۴۲/۳	۴۴/۲	۷/۷	۵/۸	۰	اعضای شورای ما کاری برای انجام دادن ندارند.
۱/۹	۱۰/۶	۱۱/۵	۳۹/۴	۳۶/۵	کار شورای ما بین اعضای شورا به خوبی تقسیم شده است.
۳۹/۴	۴۹	۶/۷	۴/۸	۰	کار گروهی در شورای ما دچار اختلال است؛ زیرا شورا کار مشخصی برای انجام دادن ندارد.

* = ۱۰۴n

† Cronbach alpha = ۰/۶۲

* درصد پاسخگویان

جدول ۶) فراوانی طبقات امتیاز بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی مورد مطالعه از نظر پاسخگویان

طبقات	فراوانی		درصد تجمعی
	تعداد	درصد	
ضعیف (۱۱-۲۰)	۱۱	۱۰/۶	۱۰/۶
متوسط (۲۱-۲۵)	۹	۸/۷	۱۹/۳
خوب (۲۶-۳۰)	۵۴	۵۱/۹	۷۱/۲
خیلی خوب (۳۱-۳۶)	۳۰	۲۸/۸	۱۰۰
جمع	۱۰۴	۱۰۰	-
میانگین = ۲۷/۸، انحراف معیار = ۴/۷			

سطح مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی

مشارکت می‌تواند در سطوح مختلف و در امتداد یک طیف و به صورتی تحقق یابد که با حرکت از سطوح پایین به بالا، مشارکت واقعی‌تر گردد. سطح پایین مشارکت در این طیف، جزو مشارکت‌های ضعیف و غیرواقعی است و با حرکت به سمت بالا، به مشارکت تعاملی و بسیج خودجوش می‌رسیم که می‌توان آنها را مشارکت واقعی نام نهاد. سطح مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی با توجه به تقسیم‌بندی ارائه شده توسط پرتی (۱۹۹۵) و با استفاده از ۷ گویه (عبارت) مورد سنجش قرار گرفت که هر گویه نشان دهنده سطحی از مشارکت (از مشارکت انفعالی تا بسیج خودجوش) است. برای این کار از پاسخگویان خواسته شد مشخص کنند اگر بخواهند در حفاظت از منابع طبیعی کمک و مشارکت کنند، کدام یک از این گویه‌ها را بیشتر ترجیح می‌دهند. نتایج به دست آمده از این بررسی در جدول (۷) نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است، بیشترین مورد ترجیحی پاسخگویان مربوط به مشارکت تعاملی (با ۳۹/۴ درصد) است. پس از آن به ترتیب مشارکت انفعالی (با ۲۶ درصد) و مشارکت تابعی (با ۱۴/۴ درصد) قرار دارد. کمترین مورد ترجیحی مربوط به بسیج خودجوش (با ۱/۹ درصد) و سپس مشارکت به خاطر مشوق‌های مادی (با ۲/۹ درصد) است. در عین حالی که این یافته‌ها نشان می‌دهند پاسخگویان در چه سطحی مایل به مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی هستند، بیانگر درک مناسب‌تر آنان از مفهوم مشارکت نیز هستند؛ برای مثال، یافته مربوط به مشارکت تعاملی، گویای این است که اعضای شوراهای اسلامی بیشتر خواهان سطوح بالای مشارکت هستند که در آن، مشارکت به عنوان یک حق مطرح است. در این سطح، مشارکت با تجزیه و تحلیل مشترک، توسعه طرح‌های عملی و تشکیل یا تقویت نهادهای محلی همراه است و با کنترل گروه‌ها بر تصمیمات محلی و چگونگی استفاده از منابع موجود، در نگهداری و حمایت از ساختارها و فعالیت‌ها نیز نقش خواهند داشت.

برای بررسی بیشتر به محاسبه وزنی سطح مشارکت اعضای شوراهای اسلامی پرداخته شد. برای این منظور و با توجه به میزان اهمیت، به هر سطح از مشارکت یک ضریب داده شد. به این ترتیب، به پایین‌ترین سطح از مشارکت یعنی مشارکت ساختگی، ضریب ۱؛ به سطح دوم یعنی مشارکت انفعالی، ضریب ۲؛ و به همین ترتیب به بسیج خودجوش، ضریب ۷ داده شد. سپس این ضریب در تعداد افراد قرار گرفته در هر سطح از مشارکت، ضرب گردید و در نهایت،

میانگین وزنی سطح مشارکت نمونه‌های مورد مطالعه با تقسیم مقدار به دست آمده بر تعداد کل افراد مورد مطالعه، محاسبه گردید. بنابراین، خواهیم داشت:

$$W = \sum_{i,j=1}^7 x_i n_j$$

که در آن:

W = مجموع امتیاز وزنی سطوح مشارکت

x = ضریب سطح مشارکت

n = تعداد افراد قرار گرفته در سطح مشارکت مورد نظر

$i=1, 2, \dots, 7, v_i$

$j=1, 2, \dots, 7, v_j$

بنابراین:

$$W = (1 \times 9) + (2 \times 27) + (3 \times 7) + (4 \times 3) + (5 \times 15) + (6 \times 41) + (7 \times 2) = 431$$

همچنین:

$$\bar{W} = W \div N$$

که در آن:

\bar{W} = میانگین وزنی سطح مشارکت اعضای شوراهای اسلامی

$$N = \sum_{i=1}^7 n_i$$

بنابراین:

$$\bar{W} = 431 \div 104 = 4/1$$

به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که بر یک طیف از سطوح مشارکت که از ۱ شروع و تا ۷ ادامه دارد، اعضای شوراهای اسلامی در موقعیت ۴/۱ قرار می‌گیرند. این موقعیت، با توجه به ضریب اختصاص داده شده به سطوح مشارکت، در موقعیت مشارکت تابعی قرار دارد. بنابراین، با توجه به ویژگی‌های مشارکت تابعی می‌توان گفت اگرچه اعضای شوراهای اسلامی تمایل دارند با تشکیل گروه‌ها و به منظور جواب‌گویی به اهداف از قبل تعیین شده در حفاظت از منابع طبیعی مشارکت کنند که در آن، تصمیم‌گیری‌های مشترک با افراد خارج از روستا نیز وجود دارد؛ اما تمایل آنان بر این است که تصمیم‌های مهم در ارتباط با حفاظت از منابع طبیعی توسط افراد خارج از اجتماع روستا اتخاذ شوند (برای مصادیق ر.ک. جدول ۷).

جدول ۷) توزیع نظر پاسخگویان نسبت به سطح مشارکت ترجیحی آنان برای حفاظت از منابع طبیعی

گویه‌ها	سطح مشارکت	بلی (تعداد)	درصد	درصد تجمعی
ترجیح می‌دهم فقط در گروه‌های تشکیل شده برای حفاظت از منابع طبیعی عضو باشم.	مشارکت ساختگی	۹	۸/۷	۸/۷
ترجیح می‌دهم فقط هنگامی به حفاظت از منابع طبیعی کمک کنم که برنامه آن از قبل و توسط کارشناسان برای ما مشخص شده باشد.	مشارکت انفعالی	۲۷	۲۶	۳۴/۶
ترجیح می‌دهم فقط به صورت مشورتی و پاسخ به سؤال‌های کارشناسان در حفاظت از منابع طبیعی کمک کنم.	مشارکت به وسیله مشاوره	۷	۶/۷	۴۱/۳
ترجیح می‌دهم فقط با دریافت مزد در قبال انجام کار در برنامه‌های حفاظت از منابع طبیعی مشارکت کنم.	مشارکت به خاطر مشوق‌های مادی	۳	۲/۹	۴۴/۲
ترجیح می‌دهم ابتدا خودمان گروه‌های حفاظت از منابع طبیعی را تشکیل دهیم؛ اما تصمیمات مهم توسط کارشناسان به ما گفته شود.	مشارکت تابعی	۱۵	۱۴/۴	۵۸/۷
ترجیح می‌دهم برنامه‌های حفاظت از منابع طبیعی با همکاری مشترک بین اعضای شورای اسلامی و کارشناسان تهیه و اجرا شوند و کنترل و اجرای آن بر عهده خودمان باشد.	مشارکت تعاملی	۴۱	۳۹/۴	۹۸/۱
ترجیح می‌دهم که شورای اسلامی و اهالی روستا خودشان مستقلاً و بدون دخالت ادارات دیگر، به تهیه و اجرای برنامه حفاظت از منابع طبیعی اقدام کنند.	بسیج خودجوش	۲	۱/۹	۱۰۰
جمع		۱۰۴	۱۰۰	-

زمینه‌های مناسب برای فعالیت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی

از پاسخگویان سؤال شد که از نظر آنان برای حفاظت از منابع طبیعی، بهتر است شوراهای اسلامی در کدام یک از زمینه‌ها شامل تصمیم‌گیری، اجرا یا نظارت، بیشترین فعالیت را داشته باشند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که از نظر بیشتر آنان، بهتر است شوراهای اسلامی در زمینه نظارت فعالیت داشته باشند. از این نظر، زمینه‌های تصمیم‌گیری و اجرا به ترتیب در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، اعضای شوراهای اسلامی معتقدند فعالیت شورا در زمینه اجرا، باید کمتر از نظارت و تصمیم‌گیری باشد. بدین ترتیب، اعضای شوراهای اسلامی بیشتر خواهان قائل شدن یک نقش مدیریتی برای شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی هستند و کمتر بر این باورند که شوراهای اسلامی نقش مجری عملیات حفاظت از منابع طبیعی را بر عهده گیرند. جدول (۸) نتایج به دست آمده از این بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۸) توزیع نظر اعضای شوراهای اسلامی درباره بهترین زمینه برای فعالیت شوراهای

اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی

درصد تجمعی	فراوانی		زمینه فعالیت
	درصد	تعداد	
۴۹	۴۹	۵۱	نظارت
۷۸/۸	۲۹/۸	۳۲	تصمیم‌گیری
۱۰۰	۲۱/۲	۲۲	اجرا
-	۱۰۰	۱۰۴	جمع

ارتباط ویژگی‌های فردی اعضای شوراهای اسلامی با جنبه‌های مرتبط با مشارکت آنان در حفاظت از منابع طبیعی

برای بررسی ارتباط بین ویژگی‌های فردی اعضای شوراهای اسلامی با جنبه‌های مرتبط با مشارکت آنان در حفاظت از منابع طبیعی از ضریب همبستگی استفاده شد. همان‌طور که جدول (۹) نشان می‌دهد، سن اعضای شوراهای اسلامی هم با بُعد مشارکتی ساختار شورای اسلامی و هم با ایستار آنان نسبت به حفاظت از منابع طبیعی، دارای همبستگی منفی و معنی‌دار است. اگرچه میزان این همبستگی‌ها ضعیف است؛ اما می‌توان انتظار داشت با افزایش سن اعضای شوراهای اسلامی، بُعد مشارکتی ساختار این شوراها ضعیف‌تر و ایستار اعضای آن نسبت به منابع طبیعی، نامطلوب‌تر شود.

جدول ۹) میزان همبستگی سن و سطح تحصیلات اعضای شوراهای اسلامی با جنبه‌های

مرتبط با مشارکت آنان در حفاظت از منابع طبیعی

ردیف	جنبه‌های مرتبط با مشارکت	سن*	سطح تحصیلات [†]
۱	ایستار نسبت به حفاظت از منابع طبیعی	-۰/۲۸**	۰/۲۳**
۲	ایستار نسبت به مشارکت عمومی	-۰/۰۱	۰/۱۵
۳	بُعد مشارکتی ساختار شورای اسلامی	-۰/۲۳**	۰/۲۱*
۴	سطح مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی	-۰/۱۰	۰/۰۵

* برای ردیف ۴، ضریب همبستگی اسپیرمن‌رو و برای مابقی ردیف‌ها، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده است.

† برای تمام موارد، ضریب همبستگی اسپیرمن‌رو محاسبه شده است.

* معنی‌داری در سطح ۵ درصد.

** معنی‌داری در سطح ۱ درصد.

پیش‌بینی تغییرات بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی

وضع سازمان‌های محلی برای مدیریت منابع طبیعی، می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف باشد. راسمون و میزن‌دیک (۱۹۹۵) در این رابطه الگویی ارائه کرده‌اند که در آن، بر ویژگی‌های درون سازمانی و برون سازمانی (ویژگی‌های

اجتماع) تأکید شده است. در این الگو، مشارکت شوراهای اسلامی در مدیریت منابع طبیعی با توجه به ویژگی‌های فردی اعضای شورا، ترتیبات درون سازمانی و شرایط اجتماعی که شورا در آن واقع شده است، قابل تبیین است. با توجه به این موضوع و با تبادل نظر با کارشناسان منابع طبیعی و محیط زیست استان فارس، از بین متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای سن، سابقه عضویت در شورا و ایستار نسبت به مشارکت عمومی به عنوان ویژگی‌های فردی، تعداد جلسات شورا در ماه و میزان اختصاص وقت به کارهای شورا به عنوان ویژگی‌های درون سازمانی و سطح بهره‌مندی روستا از خدمات به عنوان مهمترین ویژگی برون سازمانی در نظر گرفته شد. سپس به منظور پیش‌بینی تغییرات بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی و بررسی تأثیر سایر متغیرهای مستقل بر آن، به طور همزمان از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. متغیرهای مستقل شامل سن، سابقه عضویت در شورای اسلامی، تعداد جلسات شورا در ماه، میزان اختصاص وقت به کارهای شورا، ایستار نسبت به مشارکت عمومی و سطح بهره‌مندی روستا از خدمات می‌گردید.

مقدار B در جدول (۱۰) نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در متغیرهای مستقل ایستار نسبت به مشارکت عمومی، سن و تعداد جلسات شورا در هر ماه، به ترتیب تغییراتی برابر با ۰/۳۳، ۰/۱۰- و ۰/۶۳ واحد در بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی ایجاد می‌شود. همچنین، این متغیرها به ترتیب قادرند ۲۱، ۴/۶ و ۲/۸ درصد و تماماً ۲۹/۷ درصد از تغییرات بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی را تبیین کنند. سایر متغیرهای مستقل در معادله رگرسیونی وارد نشدند (جدول ۱۱). به این ترتیب، نقش و میزان اهمیت این متغیرها در تقویت یا تضعیف بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی را بهتر می‌توان درک کرد.

جدول (۱۰) یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه مرحله‌ای به منظور تعیین متغیرهای

مستقلی که قادرند در تغییر بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی مؤثر باشند.

Sig.T	β	Se.B	B	متغیرهای مستقل*
۰/۰۰۰۰	۰/۴۱۳	۰/۰۶۸	۰/۳۳	ایستار نسبت به مشارکت عمومی
۰/۰۱۶۷	-۰/۲۰۵	۰/۰۴۲	-۰/۱۰	سن
۰/۰۲۹۸	۰/۱۹۱	۰/۲۸۳	۰/۶۳	تعداد جلسات شورا در ماه
Constant= ۱۲/۱۳			F= ۱۴/۱	Sig. F= ۰/۰۰۰

* متغیرهای مستقل به ترتیب وارد شدن در معادله فهرست شده‌اند

جدول (۱۱) یافته‌های خلاصه شده میزان تغییرات R^2 به منظور تعیین تأثیر هر کدام از متغیرهای وارد شده

در معادله بر میزان تغییرات بُعد مشارکتی ساختار شوراهای اسلامی

R^2 Changed	R^2 Adjust	R^2	Multiple R	Step
۰/۲۱۰	۰/۲۰۲	۰/۲۱۰	۰/۴۶	ایستار نسبت به مشارکت عمومی
۰/۰۴۶	۰/۲۴۸	۰/۲۶۳	۰/۵۱	سن
۰/۰۲۸	۰/۲۷۶	۰/۲۹۷	۰/۵۴	تعداد جلسات شورا در ماه

نتیجه‌گیری

نظریات جدید ضمن توجه به حفاظت اجتماع‌نهاد از منابع طبیعی، بر این تأکید دارند که کیفیت منابع طبیعی را مردم تعیین می‌کنند و تکیه صرف بر قوانین و مقررات، نمی‌تواند تضمین کافی برای حفاظت از آن باشد. در واقع، قدرت تصمیم‌نهایی در چگونگی رفتار با منابع طبیعی و محیط زیست، در دست مردم محلی است که معمولاً در سازمان‌های محلی ظهور می‌یابد. بنابراین، نگاه و تعریف نسبت به اجتماعات محلی باید به صورتی تغییر یابد که واژه اجتماع محلی، معنایی بیش از « بهره‌بردار صرف از منابع طبیعی » را به همراه داشته باشد. از آنجا که حفاظت اجتماع‌نهاد منابع طبیعی مستلزم وجود یک چارچوب سازمانی پایدار برای مشارکت مردمی است، شوراهای اسلامی روستا به عنوان یک سازمان محلی می‌توانند به فراهم آوردن این چارچوب سازمانی کمک نمایند. این کار باید مبتنی بر تحقیقات کافی باشد و مطالعه حاضر در این راستا انجام گردید. نتایج این مطالعه نشان داد که اگرچه نگرش اعضای شوراهای اسلامی در حدی نیست که بتوان آن را قوی محسوب کرد؛ اما نگرش آنان نسبت به مشارکت عمومی و نگرش نسبت حفاظت از منابع طبیعی در وضعیت نسبتاً مناسب قابل ارزیابی است. این موضوع از این نظر مهم است که نظریه‌های رفتاری اهمیت زیادی برای نگرش قائل هستند و آن را مهمترین تعیین‌کننده رفتار (پولی و اکونور، ۲۰۰۰) و پیش‌شرط آن به شمار می‌آورند (کریمی، ۱۳۷۹). بنابراین، در حد وضعیت نگرشی فعلی باید از اعضای شوراهای اسلامی انتظار عمل موافق با مشارکت در امور عمومی و همچنین، حفاظت از منابع طبیعی را داشت. این یافته، ضرورت تمهیدات مناسب برای ارتقای نگرش اعضای شوراهای اسلامی در ایجاد آمادگی بیشتر برای مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی را گوشزد می‌نماید.

یافته‌ها نشان داد که شوراهای اسلامی از ساختار نسبتاً مناسبی در بُعد مشارکتی برخوردارند. این یافته از این نظر مهم است که نشان می‌دهد تا چه اندازه ساختار سازمانی شوراهای اسلامی مبتنی بر مشارکت شکل گرفته است و این ساختار تا چه اندازه زمینه بروز رفتارهای مشارکتی را در بین اعضای شوراها فراهم می‌آورد. با توجه به وضعیت نسبتاً مناسب این ساختار می‌توان نتیجه گرفت که شوراهای اسلامی از نظر ساختاری، آمادگی مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی را دارند. تحلیل رگرسیونی نشان داد که این ساختار متأثر از نگرش نسبت به مشارکت عمومی، سن اعضای شوراهای اسلامی و تعداد جلسات شورا در هر ماه است. بدین ترتیب و با توجه به الگوی ارائه شده توسط راسمون و میزنزدیک (۱۹۹۵)، ساختار مشارکتی شوراهای روستایی با ویژگی‌های فردی اعضای شورا و ترتیبات درون سازمانی در ارتباط است و سطح بهره‌مندی روستا از خدمات در آن نقشی ندارد. با توجه به این نتایج، ارتقای نگرش اعضای شوراهای اسلامی نسبت به مشارکت عمومی، افزایش تعداد جلسات شورا و به‌کارگیری اعضای جوانتر در شوراهای اسلامی، می‌تواند به تقویت ساختار مشارکتی شوراهای اسلامی و در نتیجه، ایجاد زمینه مناسب‌تر برای مشارکت شوراهای اسلامی در حفاظت از منابع طبیعی کمک نماید.

پژوهش حاضر نشان داد اعضای شوراهای اسلامی، مایل به همکاری در حفاظت از منابع طبیعی در سطوح بالای مشارکت هستند؛ به نحوی که بیشترین سطح مشارکت ترجیحی آنان به مشارکت تعاملی برمی‌گردد. پس از آن، به ترتیب مشارکت انفعالی و مشارکت تابعی قرار دارد. کمترین مورد ترجیحی نیز مربوط به بسیج خودجوش و سپس مشارکت به خاطر مشوق‌های مادی است. این در حالی است که میانگین وزنی سطح مشارکت نشان دهنده ترجیح

پاسخگویان به مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی در سطح مشارکت تابعی است. در این سطح از مشارکت، افراد خواهان تشکیل گروه‌های محلی و با کمک افراد خارج از روستا برای حفاظت از منابع طبیعی هستند؛ اما ترجیح می‌دهند تصمیم‌های مهم توسط افراد خارج از اجتماع روستا اتخاذ شوند. بنابراین، با توجه به تقسیم‌بندی سطوح مشارکت (پرتی، ۱۹۹۵)، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه اعضای شوراهای اسلامی تمایل به دوری از مشارکت‌های ابزاری و ساختگی دارند؛ اما هنوز از سطوح مشارکت واقعی که در آن بر حق تصمیم‌گیری تأکید می‌شود، فاصله دارند. این موضوع با توجه به این که بیشتر اعضای شوراهای اسلامی معتقد به فعالیت شوراها در نظارت از حفاظت از منابع طبیعی هستند تا فعالیت در زمینه‌های تصمیم‌گیری و اجرا، بهتر قابل درک است. در مجموع، این یافته‌ها بیانگر ضرورت ارائه آموزش‌های مناسب به اعضای شوراهای اسلامی برای درک بهتر ماهیت مشارکت و اهمیت تفویض مناسب اختیار به منظور افزایش قدرت تصمیم‌گیری شوراهای اسلامی در برنامه‌های حفاظت از منابع طبیعی است.

سپاسگزاری

پژوهش حاضر با تأمین مالی اداره کل محیط زیست استان فارس و طی طرح پژوهشی شماره ۰-۱۵۲-RVC-SU-۸۶ دانشگاه شیراز به انجام رسیده است.

پی‌نوشت

۱- در مجموع دو دیدگاه فکری و عملی در مورد مشارکت وجود دارد: در اولین دیدگاه به مشارکت به عنوان ابزاری برای افزایش کارآیی و حمایت مردم از کارها نگاه می‌شود. در دومین دیدگاه، به مشارکت به عنوان یک حق اساسی نگاه می‌شود که هدف از آن آغاز فعالیت دسته‌جمعی، کسب قدرت و تشکیل نهاد یا سازمان است (عابدی سروسستانی به نقل از پرتی، ۱۳۸۵، ۱۴۶).

منابع

- ۱- برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، ترجمه: پرستو آذربایجانی. (۱۳۸۳). *چکیده‌ای از چشم‌انداز جهانی محیط زیست-۳ (GEO-3)*، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست ایران، ۵۶ص.
- خبرگزاری فارس. (۱۳۸۹). دلایل اصلی وقوع پدیده گرد و غبار در ایران تشریح شد. *خبرگزاری فارس*، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8903310585>. دسترسی در تاریخ: ۸۹/۶/۱۴
- ۲- شورای عالی استان‌ها. (۱۳۸۷). *مجموع قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۱/۳/۱ با آخرین اصلاحات ۱۳۸۲/۷/۶ و ۱۳۸۶/۸/۲۷*، تهران: وزارت کشور.
- ۳- شیخ، ابراهیم. (۱۳۸۱). *شورا و مشارکت: کاربرد روش‌های مشارکتی در مدیریت شهری*، تهران: فرهنگ و اندیشه. ۱۹۰ص.
- ۴- عابدی سروسستانی، احمد. (۱۳۹۱). رویکردهای مشارکتی به توسعه: کاربردهایی برای ترویج و توسعه روستایی، *فصلنامه راهبرد یاس*، ش ۳۱، صص ۱۷۷-۱۶۱.

- ۵- _____ (۱۳۸۵). جایگاه ترویج در توسعه با تأکید بر مشارکت، فصلنامه روستا و توسعه، سال نهم، ش ۱، صص ۱۶۵-۱۳۷.
- ۶- کریمی، یوسف (۱۳۷۹). نگرش و تغییر نگرش، تهران: مؤسسه نشر و ویرایش.
- ۷- گای، دارام (۱۳۷۱). توسعه مشارکتی: چشم‌اندازهایی از تجربه توده‌های روستایی، ترجمه: عصمت قائم‌مقامی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره چهارم.
- 8- Agrawal, A. and Ribot, J. (1999); Accountability in decentralization: A framework with South Asian and West African cases. *Journal of Developing Areas*, 33: 4-12.
- 9- Ahmed, M. (1982); Community participation: The heart of primary health care. In G.E. Jones and M.J.Rolls (eds.). *Progress in Rural Extension and Community Development* (pp. 255-270), Vol. 1. New York: John Wiley and Sons.
- 10- Bawa, K. (2006); Globally dispersed local challenges in conservation biology. *Conservation Biology*, 20(3): 696-699.
- 11- Department of Agricultural Extension. (1999); *Agricultural Extension Manual*. Bangladesh: Ministry of Agriculture. 183p.
- 12- Goodwin, P. (1998); Hired hands or local voice: Understandings and experience of local participation in conservation. *Trans Inst Br Geogr*, 23: 481-499.
- 13- Hill, C. M. (2002); Primate conservation and local communities: Ethical issues and debates. *American Anthropologist*, 104(4): 1184-1194.
- 14- Jantzi, T. L. (2000); *Local Program Theories and Social Capital: A Case Study of a Non-Governmental Organization in Eastern Bolivia*. PhD Dissertation, Cornell University.
- 15- Kabiri, N. (2007); *Global Environmental Governance and Community-Based Conservation in Kenya and Tanzania*. PhD Dissertation, Department of Political Science, University of North Carolina at Chapel Hill. 288p.
- 16- Lin, H. C.; Cheng, L. Y.; Chen P. C. and Chang, M. H. (2008); Involving local communities in amphibian conservation: Taipei frog *Rana taipehensis* as an example. *Int. Zoo Yb.*, 42: 90-98.
- 17- Lund, S. (2002); Community participation in natural resource management projects: A rational institutional choice? Some evidence from sand dune fixation in Mauritania. *The Journal of Transdisciplinary Environmental Studies*, 1(2): 1-17.
- 18- Miller, D. C. (1991); *Handbook of Research Design and Social Measurement*. London: Sage. 528p.
- 19- Miller, J. R.; Groom, M.; Hess, J. R.; Steelman, T.; Stokes, D. L.; Thompson, J.; Bowman, T.; Fricke, L.; King, B. and Marquardt, R. (2008); Biodiversity conservation in local planning. *Conservation Biology*, 23(1): 53-63.
- 20- Moris, J. R. (1981); *Managing induced rural development*. Indiana: International Development Institute. 190p.
- 21- Ongugo, P. O. (2007); Participatory forest management in Kenya: Is there anything for the poor? In: Proceedings of International Conference on Poverty Reduction and Forests, Bangkok.
- 22- Pooley, J. A and O'Connor, M. (2000); Environmental education and attitudes: Emotions and beliefs are what is needed. *Environment and Behavior*, 32(5): 711-723.
- 23- Pretty, J. N. (1995); Participatory learning for sustainable agriculture. *World Development*, 23: 1247-1263.
- 24- Ribot, J. C. (2001); Integral local development: Accommodating multiple interests through environment and accountable representation. *International Journal of Agricultural Resources, Governance and Ecology*, 1(3/4): 327-350.
- 25- Romero, C. and Andrade, G. I. (2004); International conservation organizations and the fate of local tropical forest conservation initiatives. *Conservation Biology*, 18(2): 578-580.
- 26- Rasmussen, L. N. and Meinzen-Dick, R. (1995); *Local Organizations for Natural Resource Management: Lessons from Theoretical and Empirical Literature*. EPTD Discussion Paper No. 11, Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute.

- 27- USAID. (2006); *Country Strategic Plan (Senegal) 1998-2006*. USAID.
- 28- Wily, L. A. (2002); Participatory forest management in Africa: An overview of progress and issues. Presented at: Second international Workshop on Participatory Forestry in Africa, Rome: FAO

